



شناسایی و درجه بندی عوامل مؤثر بر فرار مالیاتی در افغانستان

(مطالعه موردی: ولایت هرات)

شمس الحق فضل^۱

استاد پوهنچی اقتصاد و مدیریت، پوهنتون جامی، هرات - افغانستان

نذیراحمد سدید

استاد پوهنچی اقتصاد و مدیریت، پوهنتون جامی، هرات - افغانستان

چکیده

پژوهش حاضر تحت عنوان اولویت بندی عوامل مؤثر بر فرار مالیاتی است تا بتواند بیان نماید که کدام عامل بر فرار مالیاتی اثرگذارتر است. جامعه آماری این تحقیق به صورت عموم چهار گروه ۳۵ نفر از افراد متخصص و اساتید پوهنتون، ۳۵ نفر از مودیان مالیاتی و بازرگانان، ۳۵ نفر از کارمندان اداره مالیات و ۳۵ نفر از مدیران سازمان های خصوصی بوده اند که نظریات هر گروه به طور جداگانه مورد بررسی و مطالعه قرار گرفته و نتایج آن به صورت عموم در این تحقیق بیان می گردد.

نتایج این تحقیق با استفاده از روش تحلیل سلسله مراتبی AHP بدست آمده است که بیانگر تأثیرگذاری عوامل اقتصادی-تکنیکی با ارزش وزنی ۰/۶۱۶، عوامل سیاسی - امنیتی - اداری با ارزش وزنی ۰/۲۳۱ و عوامل حقوقی - اجتماعی - فرهنگی با ارزش وزنی ۰/۱۵۳

۱. نویسنده مسئول: s.fazl@jami.edu.af

است. بیشترین تأثیر مربوط به چهار عامل ذیل که عبارتند از بی‌ثباتی اقتصادی، افزایش بیکاری، تورم و تغییر در درآمد مودیان با ارزش وزنی ۰/۲۰۲ موجودیت شغل‌های کاذب و فعالیت‌های زیرزمینی با ارزش وزنی ۰/۱۰۶ عدم موجودیت سیستم الکترونیکی و ضعف در استفاده از وسایل الکترونیکی با ارزش وزنی ۰/۱۰۶ عدم مصرف درست بودجه جمع‌آوری شده و تخصیص درست بودجه ۰/۰۷۶ بوده است که هر سه عامل اولی از جمله عوامل اقتصادی-تکنیکی و عامل چهارمی مربوط به عوامل سیاسی-امنیتی-اداری می‌باشد. لذا ضرورت است تا سیاست‌گذاران مالیاتی، کارگذاران مالیاتی و اداره‌کنندگان سازمان‌های مالیاتی به این عوامل توجه نموده و در قسمت رفع نقایص جهت کاهش معضل فرار مالیاتی از طریق الکترونیک‌سازی سیستم مالیاتی، آموزش استفاده از وسایل تکنالوژیکی و از بین بردن بازارها و مشاغل کاذب و هم‌چنان مصرف درست مالیات جمع‌آوری شده اقدامات مؤثرتری را روی دست‌گیرند.

واژه‌گان کلیدی: مالیات، فرار مالیاتی، مودیان، تورم.



Identification and classification of factors influencing tax evasion in Afghanistan (Case study: Herat province)

Shamsullhaq Fazl¹

the Faculty of Economics and Management, Jami University, Herat -
Afghanistan

Nazir Ahmad Sadeed

the Faculty of Economics and Management, Jami University, Herat -
Afghanistan

Abstract

This research is titled "Priority Ranking of Factors Affecting Tax Evasion" in order to identify which factor has a more significant impact on tax evasion. The study population consists of four groups: 35 experts and university professors, 35 tax payers and merchants, 35 tax office employees, and 35 managers of private organizations. The opinions of each group were separately examined and studied, and the overall results are presented in this research.

The findings of this research, obtained through the Analytic Hierarchy Process (AHP) method, indicate that the economic–technical factors have a weight value of 0.616, the political–security–administrative factors have a weight value of 0/231, and the legal–social–cultural factors have a weight value of 0.153 in terms of their impact. The highest impact is related to the following four factors: economic instability, increased unemployment, inflation, and changes in the income of taxpayers, with a weight value of 0.202. The existence of fake jobs and underground activities with a weight value of 0.106, the absence of an electronic system and weaknesses in the use of electronic tools with a weight value of 0/106, and the improper collection and allocation of budget with a weight value of 0.076 are also influential factors. The first three factors belong to the economic–technical factors, while the fourth factor belongs to the political–security–administrative factors.

Therefore, it is necessary for tax policymakers, tax administrators, and managers of tax organizations to pay attention to these factors and take more effective measures to address the issue of tax evasion. This can be done through electronicization of the tax system, providing training on the use of technological tools, eliminating fake markets and businesses, and ensuring proper utilization of collected tax revenues.

Keywords: Tax, tax evasion, taxpayers, inflation.

1. s.fazl@jami.edu.af

مقدمه

با توجه به ازدیاد جمعیت و گسترش روزافزون شهرنشینی، لزوم توجه به حدود وظایف و اختیارات دولت‌ها از اهمیت خاصی برخوردار است به نحوی که وظایف دولت‌ها در حال حاضر نسبت به حدود نیم قرن پیش دست‌خوش تغییرات و تحولات بسیاری گشته است. امروز در تمام کشورها برای دولت وظایف اقتصادی خاصی تعریف شده است که دولت برای انجام این وظایف باید مخارج و هزینه‌های بسیار سنگینی را متحمل گردد. حال برای تأمین مالی این مخارج دولت‌ها از راه‌های مختلف به کسب درآمد می‌پردازند. یکی از متداول‌ترین راه‌های تأمین مخارج دولت جمع‌آوری مالیات است. مالیات قابل قبول‌ترین و مناسب‌ترین نوع از نظر اقتصادی است؛ به این معنی که هر چه سهم مالیات‌ها در تأمین مخارج دولت بیشتر باشد، به همان میزان از آثار نامطلوب اقتصادی کاسته می‌شود و به همان اندازه بودجه دولت از سلامت، ثبات و پایداری بیشتری برخوردار می‌گردد.

بیان مسأله و اهمیت تحقیق

در کشورهای در حال توسعه به دلیل وجود ساختار تورمی و کارآ نبودن سیستم مالیاتی درآمدهای مالیاتی درصد ناچیزی از تولید ناخالص داخلی این کشورها را تشکیل می‌دهد. داشتن نظام مالیاتی کارآمد و عادلانه آرزوی بسیاری از ملت‌هاست که درعین حال در بسیاری از موارد امکان جمع این دو عنصر دشوار است. حداقل باید تلاش کلی این باشد که نظام مالیاتی زیان‌کارایی و زیان‌ناشی از عدالت کمتری بر جامعه تحمیل نماید؛ و هم‌چنان باعث ایجاد شکاف طبقاتی نشده وعده محدودی از افراد جامعه بار مالیاتی را بر دوش نکشند؛ چون اکثر مواقع سیستم جمع‌آوری مالیاتی طوری برنامه‌ریزی و دیزاین می‌گردد که ناآگاهانه عدالت مالیاتی مراعات نگردیده و اشخاص مستهلک ضرر و زیان بیشتری نموده و بار مالیات‌ها را بر دوش می‌کشند.

امروزه مالیات به عنوان یک واقعیت انکارناپذیر در جوامع بشری مطرح است. این واقعیت در کشورهای ثروتمند که دارای منابع طبیعی هستند و هم‌چنین در کشورهای که فاقد چنین ثروت‌های هستند نیز وجود دارد. در دنیای امروز نمی‌توان اقتصادی را مورد مطالعه قرارداد که مالیات به عنوان یک عامل مؤثر در آن شناخته نشود.

مالیات نوعی قرارداد اجتماعی است که آن را هم‌زاد حکومت‌ها می‌دانند و حاکمان هیچ‌گاه منبعی مطمئن‌تر از مالیات برای تأمین هزینه‌های خود نیافته‌اند. اقتصاددانان،

حقوق دانان و علمای علم سیاست در ارائه تعریفی واحد از مالیات به دلیل اختلاف نظر در دیدگاه‌های خویش هنوز به اتفاق نظر دست نیافته‌اند؛ و هر کدام در تعریف مالیات فقط به جنبه‌های مورد نظر خودشان توجه داشته‌اند؛ اما به صورت خلاصه می‌توان گفت که مالیات عبارت از قسمتی از درآمد و یا ثروت افراد که به منظور پرداخت بخشی از هزینه‌های عمومی و حفظ منافع اجتماعی و اقتصادی و سیاسی کشور به موجب قانون و به طور اجباری و برگشت ناپذیر به وسیله دولت وصول می‌شود.

بنابراین هرگونه تلاش برای پرداخت نکردن مالیات، فرار مالیاتی شمرده می‌شود؛ و از آنجائی که فرار مالیاتی فعالیتی غیرقانونی است. کسانی که این کار را انجام می‌دهند از پرس وجود در مورد فعالیت خود طفره می‌روند و این همان مشکل اساسی در اندازه‌گیری وسعت فرار مالیاتی است. ساده‌ترین روش محاسبه فرار مالیاتی استفاده از تفاوت بین درآمد و مخارج در سطح ملی است. روش دیگر فرار مالیاتی استفاده از مدارک ممیزی است. این روش را می‌توان با استفاده از یک عملگر برآورد به طور مستقیم و غیر مستقیم به کار گرفت؛ ولی تا جایی که به شهر و کشورمان مربوط می‌گردد؛ بناً به نبود اطلاعات کافی و در دسترس نبوده اطلاعات و معلومات مربوط به حوزه درآمدی مالیاتی دولت سنجش میزان فرار مالیاتی بسیار مشکل خواهد بود.

در شهر هرات بر اساس نوع تفکر و باورهای سنتی فرهنگ مالیاتی هنوز به صورت درست پایه‌ریزی نگردیده و اغلب آن‌های که درآمد مشمول مالیات دارند آن را یک تکلیف شرعی و قانونی نمی‌دانند و حتی در میان افرادی که اعتقادات مذهبی سنتی‌تری دارند فرار از مالیات نسبتاً بیشتری به نظر می‌رسد؛ و این در حالی است که عوامل مؤثر دیگری که تأثیرپذیر از موضوعات سیاسی، امنیتی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و تکنیکی است بر فرار مالیاتی افزوده است و باعث گردیده تا افراد و اشخاص بر اساس منافع زودگذر شخصی دست به فرار مالیاتی بزنند و دولت از این ناحیه نتواند درآمدهای مالیاتی را بنا به نوپا بودن ارگان‌های دولتی و نو بودن سیستم مالیاتی جدید درست ارزیابی، سنجش و جمع‌آوری نماید.

عدم تطبیق اصول و مبانی مثل عدالت، صداقت، شفافیت، شایسته‌سالاری، توزیع عادلانه ثروت ... در جامعه و عمل ننمودن دولت به وظایفش خصوصاً تأمین امنیت، تطبیق یکسان قانون، و چالش‌ها و مشکلاتی همانند موجودیت فساد اداری، رشوه‌ستانی، فرار

زورمندان و قدرتمندان از پرداخت مالیات، هزینه نمودن غیرعادلانه درآمدهای مالیاتی در ساحاتی که برای دولت مالیه پرداخت نمی‌نمایند، متمرکز بودن قدرت در دست گروه‌های خاص و غیره عوامل دست‌به‌دست هم داده‌اند تا فرار مالیاتی در جامعه رونق یابد. لذا نیاز به تحقیق در رابطه به شناسایی علل عدم پرداخت به موقع مالیات و عوامل مؤثر بر فرار مالیاتی است چون درآمدهای دولت زیر تأثیر فرار مالیاتی بوده و به نحوی رفاه جامعه در گرو پرداخت درست و به موقع مالیات می‌باشد. در این تحقیق بر آنیم تا با بررسی اطلاعات بدست آمده از پرسشنامه‌ها و معلومات درجه دوم به این مطلوب دست یافته و با تحلیل داده عوامل مؤثرتر شناسایی و راه برون رفت از این چالش‌ها و رفع این عوامل را بیان نمایم.

تعریف واژه‌گان کلیدی تحقیق

مالیات: مالیات عبارت از قسمتی از درآمد و یا ثروت افراد که به منظور پرداخت بخشی از هزینه‌های عمومی و حفظ منافع اجتماعی و اقتصادی و سیاسی کشور به موجب قانون و به طور اجباری و برگشت ناپذیر به وسیله دولت وصول می‌شود؛

فرار مالیاتی: هرگونه تلاش برای پرداخت نکردن مالیات، فرار مالیاتی شمرده می‌شود.

مودیان: تمام اشخاص حقیقی و حقوقی که پرداخت‌کننده مالیات در یک جامعه‌اند.

هدف تحقیق

اولویت‌بندی عوامل مؤثر بر فرار مالیاتی

عوامل اصلی

۱. عوامل سیاسی - امنیتی - اداری؛
۲. عوامل حقوقی - اجتماعی - فرهنگی؛
۳. عوامل اقتصادی - تکنیکی.

الف: زیر عوامل سیاسی - امنیتی - اداری

۱. وضعیت بد امنیتی؛
۲. موجودیت بروکراسی و کاغذپرانی‌های بیهوده؛
۳. موجودیت فساد اداری و فساد مأموران مالیاتی؛
۴. سیستم نامتوازن و نامناسب سنجش و جمع‌آوری مالیات در سراسر کشور؛
۵. موجودیت نظام ضعیف، ناکارآمد برای شناسایی مودیان مالیاتی؛



۶. پائین بودن ظرفیت و کمبود افراد متخصص در امور مالیات در نهادهای مالیاتی؛

۷. عدم مصرف درست مالیه جمع‌آوری شده و تخصیص درست بودجه.

ب: زیر عوامل حقوقی-اجتماعی-فرهنگی

۱. پیچیدگی و تراکم قوانین مالیاتی و پائین بودن سطح آگاهی از قوانین مالیاتی؛

۲. ناباوری به مالیات در بین آحاد جامعه و ضعف فرهنگ مالیاتی؛

۳. ناباوری به مشروعیت دولت و حکومت؛

۴. بی‌اعتمادی به کارایی دولت و حکومت؛

۵. بی‌اعتمادی به تطبیق یکسان قوانین در کشور و معافیت‌های متنوع و متعدد

مالیاتی در سال‌های گذشته؛

۶. الگوبرداری و یادگیری از سایر مودیان؛

۷. پول‌شویی و درآمدهای خلاف از مواد مخدر، ترور، اختطاف و جنگ.

ج: زیر عوامل اقتصادی-تکنیکی

۱. تعدد انواع مالیات؛

۲. کمبود نقدینگی شرکت‌ها و افراد؛

۳. عدم موجودیت سیستم ثبت دقیق اطلاعات مالی اشخاص حقیقی و حکمی؛

۴. متناسب نبودن جریمه‌های مالیاتی و ناکارآمد بودن سیستم تنبیه و تشویق مالیات؛

۵. موجودیت شغل‌های کاذب و فعالیت‌های زیرزمینی؛

۶. عدم سیستم الکترونیک و ضعف در استفاده از وسایل و سیستم‌های تکنالوژی؛

۷. بی‌ثباتی اقتصادی، افزایش بیکاری و تورم و تغییر درآمدهای مودیان.

اولویت بندی عوامل موثر بر فرار مالیاتی



پیشینه تحقیق

فرار مالیاتی و اجتناب از پرداخت مالیات دو پدیده هستند که احتمالاً قدمت آن‌ها به خود پدیده مالیات ستانی بر می‌گردد. هر زمان و مکانی که حاکمان تصمیم به وضع مالیات گرفته‌اند، افراد و بنگاه‌ها نیز به دنبال فرار و یا اجتناب از پرداخت آن بوده‌اند. این پدیده در عصر حاضر که به عصر دیجیتال نیز معروف است، رو به گسترش بوده و فرصت‌های این واحدها بیشتر شده و در عین حال امکان شناسایی آن‌ها نیز مشکل‌تر گردیده است.

دلایل متفاوت زیادی برای تشریح فرار مالیاتی وجود دارد که به صورت نظری و تجربی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. بر این اساس مطالعات مربوط به فرار مالیاتی را می‌توان در سه قسمت دسته‌بندی کرد.

۱. عوامل مؤثر) مارلی و مارتینا، ۱۹۸۸؛ دان، ۱۹۹۲؛ یوهانسن و کافمن، ۲۰۰۰؛ فیسمن و وی، ۲۰۰۱؛ لوین و ویدل، ۲۰۰۷؛ کای و لئو، ۲۰۰۹؛ فاگبمی و همکاران، ۲۰۱۰؛ ناگی، ۲۰۱۱؛ وانگ، ۲۰۱۲؛ خانجان، ۱۳۸۵؛ موسوی‌جهرمی و همکاران، ۱۳۸۸؛ جعفری صمیمی و حمزه‌ای، ۱۳۸۴؛ و زهی و محمدخانی، ۱۳۸۹)؛

۲. آثار) عزیزخانی و افشاری، ۱۳۸۶؛ و سید نورانی، ۱۳۸۸)؛

۳. و محاسبه میزان آن) اینگستروم و هولموند، ۲۰۰۶؛ صادقی و شکیبایی، ۱۳۸۸؛ و عبدالله میلانی و اکبرپور روشن، ۱۳۹۱).

هم‌چنان که ملاحظه می‌شود، هرچند مطالعات زیادی درباره عوامل مؤثر بر فرار مالیاتی انجام شده است، اما درباره آثار فرار مالیاتی و محاسبه میزان آن مطالعات اندکی وجود دارد. صادقی و شکیبایی (۱۳۸۰) (از منطق فازی استفاده کرده و میزان فرار مالیاتی را برای دوره ۱۳۴۳ - ۱۳۷۸ در ایران تخمین زده‌اند. هم‌چنین عبدالله میلانی و اکبرپور روشن (۱۳۹۱) (از روش تابع تقاضای پول - استفاده کرده و میزان فرار مالیاتی در ایران را برای دوره ۱۳۷۰ - ۱۳۸۹ محاسبه کرده‌اند.

علی حسین صمدی و رضیه تابنده (۱۳۹۲) از روش علل چندگانه - شاخص‌های چندگانه استفاده و میزان فرار مالیاتی در یک بازه زمانی طولانی‌تر در ایران محاسبه نموده است. از مزایای این روش این است که متغیر پنهانی فرار مالیاتی را بر اساس عوامل مؤثر و آثار آن تخمین می‌زند، درحالی‌که در منطق فازی تنها یک سری عوامل ذهنی در نظر گرفته شده و فقط میزان فرار مالیاتی بر اساس قواعد منطق فازی برآورد می‌شود. هم‌چنین روش

تابع تقاضای پول مقدار دقیقی برای برآورد میزان فرار مالیاتی ارائه نخواهد داد. هم چنین باید یادآور شویم که ما نسبت به کمبود اطلاعات و کمبود منابع نتوانستیم تحقیقی را از افغانستان در این زمینه بدست آوریم.

در این مقاله در ابتدا مروری بر مفهوم فرار مالیاتی خواهم داشت و سپس مهم‌ترین دلایل و عوامل مؤثر بر فرار مالیاتی و میزان تأثیرگذاری هر کدام از عوامل مؤثر را بر اساس اطلاعات درجه اول و درجه دوم تشریح و سرانجام به تجزیه و تحلیل داده‌های پرسشنامه پرداخته و در اخیر پیشنهادهای و راهکارها را بر اساس تئوری‌های اقتصادی ارائه خواهم نمود.

روش تحقیق

با توجه به هدف تحقیق که همانا بررسی و شناسایی عوامل مؤثر بر فرار مالیاتی مودیان ولایت هرات است این تحقیق با دورویکردی تشریحی - توصیفی و میدانی می‌تواند انجام شود تا از یک طرف بتوان به تعریف عوامل مؤثر بر فرار مالیاتی بر اساس اطلاعات و معلومات کتابخانه‌ای و دست دوم پرداخت، و از جانبی با تحقیق میدانی (پرسشنامه) به شناسایی عوامل مؤثر بر فرار مالیاتی و میزان تأثیرگذاری و اهمیت هر کدام توجه نمود. تا بتوان به نتایج متوقعه از این تحقیق بر اساس مطالعات میدانی و کتابخانه‌ای دست یافت.

روش مورد استفاده برای تجزیه و تحلیل داده‌ها

فرایندهای ذهنی معمول برای حل مسائلی که در زندگی روزمره ما رایاری می‌کنند، ممکن است در موضوعات پیچیده که نظرات و ایده‌های بسیار متفاوت وجود دارد ما را گمراه کنند. آنچه ما بدان نیازمندیم شیوه پیچیده برای فکر کردن نیست؛ زیرا حتی تفکر ساده خود بسیار مشکل‌ساز است و باید چارچوبی وجود داشته باشد که ما را قادر سازد تا در خصوص مسائل پیچیده به شیوه‌ای ساده بیان‌دیشیم. فرایند تحلیل سلسله‌مراتبی یا (Analytical Hierarchy Process) چنین چارچوبی را ایجاد می‌کند. این فرایند به ما کمک می‌کند تا بتوانیم تصمیمات مناسب برای موضوعات پیچیده را با ساده نمودن و هدایت مراحل تصمیم‌گیری اتخاذ کنیم. AHP روشی است که در آن یک وضعیت پیچیده، به بخش‌های کوچک‌تر آن تجزیه شده، سپس این اجزا در یک ساختار سلسله‌مراتبی قرار می‌گیرد. در این روش به قضاوت‌های ذهنی با توجه به اهمیت هر متغیر مقادیر عددی اختصاص داده، متغیرهایی که بیشترین اهمیت را دارند، مشخص می‌شوند؛ به عبارت دیگر ترتیب اولویت

متغیرها تعیین می شود.

به این ترتیب، به کمک AHP می توان مسائل پیچیده ای که دربرگیرنده عوامل متعدّدند را درک نمود. به طور کلی انسان ها دو رویکرد اساسی را در تجزیه و تحلیل به کار می برند که شامل رویکرد قیاسی (Deductive Approach) و رویکرد سیستمی (Inductive Approach) است. به کارگیری هر دو رویکرد سیستمی و قیاسی در درک یک سیستم پیچیده بسیار مؤثر خواهد بود و ترکیب این دو رویکرد از طریق فن AHP امکان پذیر است.

جامعه آماری

هدف از این پژوهش "اولویت بندی عوامل مؤثر بر فرار مالیاتی" به منظور شناسایی و بهبود وضعیت موجود است. از آنجایی که مسأله تصمیم گیری تحقیق حاضر از نوع چند شاخصه بوده و ساختار آن دارای سلسله مراتبی از عناصر تصمیم وابسته به هم شامل هدف، معیارها و زیرمعیارها است؛ لذا از فرآیند تحلیل سلسله مراتبی (AHP) برای محاسبه وزن و اهمیت هر کدام از معیارها و زیرمعیارهای شناسایی شده توسط محقق استفاده گردید. جهت گردآوری داده های پژوهش، ماتریس مقایسات زوجی هر یک از مؤلفه ها و گروه ها با استفاده از قضاوت و نظر ۳۵ نفر از اساتید پوهنتون، ۳۵ نفر از بازرگانان، ۳۵ نفر از مدیران سازمان های خصوصی و ۳۵ نفر از کارمندان مالیاتی تدوین و تکمیل گردیدند.

تجزیه و تحلیل مقایسه های زوجی و نتایج پرسشنامه ها

در این قسمت به تجزیه و تحلیل داده های حاصل از مقایسات زوجی انجام شده در پرسشنامه ها می پردازیم. برای تحلیل داده ها و استخراج نتایج حاصل از مقایسات زوجی معیارهای اصلی و فرعی از نرم افزار اکسپرت چویس نسخه ۱۱ (Expert Choice) استفاده شده است.

قبل از پرداختن به نتایج تحلیل سلسله مراتبی، طرح سلسله مراتبی متشکل از شاخص ها و زیرشاخص ها را بیان می کنیم. با تنظیم ماتریس مقایسات، هر کدام از شاخص های اصلی و فرعی، به صورت دو به دو (زوجی) در معرض قضاوت ۳۵ نفر از خبرگان این موضوع قرار گرفته است. قابل ذکر است که نرم افزار از نظرات ۳۵ خبره میانگین هندسی گرفته مورد تجزیه و تحلیل قرار می دهد.

تحلیل سلسله مراتبی (AHP)

فرایند تحلیل سلسله مراتبی (Analytical Hierarchy Process یا AHP) یکی از معروف ترین فنون تصمیم گیری چند معیاره است که اولین بار توسط توماس آل. ساعتی عراقی الاصل در دهه ۱۹۷۰ ابداع گردید (ایزد بخش و همکاران، ۱۳۸۸). فرایند تحلیل سلسله مراتبی منعکس کننده رفتار طبیعی و تفکر انسانی است. این تکنیک، مسائل پیچیده را بر اساس آثار متقابل آن ها مورد بررسی قرار می دهد و آن ها را به شکلی ساده تبدیل کرده و به حل آن می پردازد (زبر دست، ۱۳۸۰).

فرایند تحلیل سلسله مراتبی در هنگامی که عمل تصمیم گیری با چند گزینه و معیار تصمیم گیری روبروست می تواند استفاده گردد. معیارهای مطرح شده می تواند کمی و کیفی باشند. اساس این روش تصمیم گیری بر مقایسات زوجی نهفته است. تصمیم گیرنده با فراهم ساختن درخت سلسله مراتب تصمیم گیری کار تحلیل را شروع می کند. در سطح صفر هدف تصمیم گیری قرار می گیرد و در سطح اول شاخص ها (معیارها) و در سطح دوم نیز زیرشاخص ها جهت اولویت بندی قرار دارند که ممکن است با توجه به نوع مسأله تعداد سطوح معیارهای اصلی و فرعی بیشتر باشد (مؤمنی، ۱۳۸۷).

ساختار سلسله مراتبی شامل چهار سطح می باشد که سطح اول را هدف و سطح دوم را معیارهای اصلی، سطح سوم را معیارهای فرعی و سطح چهارم گزینه ها تشکیل داده اند؛ که از روش AHP برای تعیین اوزان معیارها و گزینه ها استفاده می شود.

در روش AHP مقایسه زوجی بین هر کدام از سطوح معیارها انجام می گیرد و به کمک نرم افزار Expert choice پرسشنامه های مقایسه زوجی تحلیل و نرخ ناسازگاری آن ها تعیین می شود. چنانچه نرخ ناسازگاری کمتر از $1/8$ باشد مقایسه های زوجی انجام گرفته شده قابل قبول می باشد.

مفهوم منطقی ناسازگاری

اگر بگوییم A نسبت به B از C بهتر است در نتیجه A نسبت به C خیلی بهتر است.

A:B بهتر است

B:C بهتر است

A:C خیلی بهتر است

چنانچه نرخ ناسازگاری $IR < 0/1$ آنگاه ارزیابی قابل قبول است. در پایین هر جدول،

نرخ ناسازگاری نیز به عنوان اهرمی کنترلی محاسبه و ارائه شده است.

برای محاسبه نرخ ناسازگاری، در گام اول ماتریس مقایسات زوجی شاخص ها را در بردار وزن های نسبی به دست آمده از آن ضرب می کنیم.

$$WSV = D \times W$$

در گام دوم، جواب حاصل (WSV) را بر بردار وزن های نسبی شاخص ها تقسیم می کنیم تا بردار سازگاری (CV) به دست آید.

در گام سوم، میانگین حسابی عناصر این بردار را به دست می آوریم که نامیده می شود. در گام چهارم، شاخص ناسازگاری را به گونه زیر حساب می کنیم:

$$II = \frac{\lambda_{Max} - n}{n - 1}$$

در گام آخر، لازم است نرخ ناسازگاری محاسبه شود. با توجه به n (تعداد شاخص ها) و مقدار IRI که با استفاده از جدول زیر محاسبه می شود، نرخ ناسازگاری را محاسبه می کنیم.

N	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰
IRI	۰	۰	۰/۵۸	۰/۹۰	۱/۱۲	۱/۲۴	۱/۳۲	۱/۴۱	۱/۴۵	۱/۵۱

تجزیه و تحلیل داده های مربوط به پرسشنامه های اساتید، بازرگانان، مدیران سازمان های خصوصی و کارمندان مالیاتی:

$$IR = \frac{II}{IRI}$$

آمارهای فراوانی جمعیت شناختی

در این تحقیق اطلاعات دموگرافیک شامل جنسیت، میزان تحصیلات، سن، سابقه فعالیت، وظیفه، نوعیت درآمد و میزان پرداخت مالیات سالانه می باشد. در ادامه فراوانی و درصد مربوط به اطلاعات جمعیت شناختی در بخش های مختلف آمده است.

نام متغیر		فراوانی	درصد	درصد معتبر	درصد تجمعی
جنسیت	ثبت نشده	۲	۱/۴	۱/۴	۱/۴
	مرد	۱۲۰	۸۵/۷	۸۵/۷	۸۷/۱
	زن	۱۸	۱۲/۹	۱۲/۹	۱۰۰
سطح تحصیلات	ثبت نشده	۷	۵	۵	۵
	پایین‌تر از لیسانس	۱۷	۱۲/۱	۱۲/۱	۱۷/۱
	لیسانس	۶۵	۴۶/۴	۴۶/۴	۶۳/۶
	فوق لیسانس	۴۷	۳۳/۶	۳۳/۶	۹۷/۱
	دکتری	۴	۲/۹	۲/۹	۱۰۰
سن	کمتر از ۲۵ سال	۲۵	۱۷/۹	۱۷/۹	۱۷/۹
	بین ۲۵ تا ۳۴ سال	۵۸	۴۱/۴	۴۱/۴	۵۹/۳
	بین ۳۵ تا ۴۴ سال	۵۰	۳۵/۷	۳۵/۷	۹۵
	بیشتر از ۴۵ سال	۷	۵	۵	۱۰۰
سابقه فعالیت	ثبت نشده	۴	۲/۹	۲/۹	۲/۹
	کمتر از ۵ سال	۳۳	۲۳/۶	۲۳/۶	۲۶/۴
	بین ۵ تا ۱۰ سال	۴۸	۳۴/۳	۳۴/۳	۶۰/۷
	بین ۱۰ تا ۱۵ سال	۳۴	۲۴/۳	۲۴/۳	۸۵
	بیشتر از ۱۵ سال	۲۱	۱۵	۱۵	۱۰۰
وظیفه	ثبت نشده	۶	۴/۳	۴/۳	۴/۳
	استاد	۳۴	۲۴/۳	۲۴/۳	۲۸/۶
	کارمند مالیاتی	۳۴	۲۴/۳	۲۴/۳	۵۲/۹
	بازرگان	۳۴	۲۴/۳	۲۴/۳	۷۷/۱
	کارمند دولتی	۱	۰/۷	۰/۷	۷۷/۹
	کارمند سازمان‌های خصوصی	۳۱	۲۲/۱	۲۲/۱	۱۰۰

نوعیت درآمد	ثبت نشده	۳	۲/۱	۲/۱	۲/۱
	ثابت	۷۷	۵۵	۵۵	۵۷/۱
	متغیر	۳۳	۲۳/۶	۲۳/۶	۸۰/۷
	ثابت و متغیر	۲۴	۱۷/۱	۱۷/۱	۹۷/۹
	نداشتن درآمد	۳	۲/۱	۲/۱	۱۰۰
میزان پرداخت مالیات سالانه	ثبت نشده	۴	۲/۹	۲/۹	۲/۹
	کمتر از ۱۰۰۰۰	۶۴	۴۵/۷	۴۵/۷	۴۸/۶
	بین ۱۰۰۰۰ تا ۱۰۰۰۰۰	۵۳	۳۷/۹	۳۷/۹	۸۶/۴
	بین ۱۰۰۰۰۰ تا ۵۰۰۰۰۰	۱۱	۷/۹	۷/۹	۹۴/۳
	بیشتر از ۵۰۰۰۰۰	۸	۵/۷	۵/۷	۱۰۰
کل		۱۴۰	۱۰۰	۱۰۰	

در بین کل شرکت کنندگان (۱۴۰ نفر)، ۱۲۰ نفر معادل ۸۵/۷ درصد "مرد" و ۱۸ نفر معادل ۱۲/۹ درصد "زن" بوده اند. سطح تحصیلات ۱۷ نفر معادل ۱۲/۱ درصد "پایین تر از لیسانس"، ۶۵ نفر معادل ۴۶/۴ درصد "لیسانس"، ۴۷ نفر معادل ۳۳/۶ درصد "فوق لیسانس" و ۴ نفر معادل ۲/۹ درصد "دکتری" بوده است. سن ۲۵ نفر معادل ۱۷/۹ درصد "کمتر از ۲۵ سال"، ۵۸ نفر معادل ۴۱/۴ درصد "بین ۲۵ تا ۳۴ سال"، ۵۰ نفر معادل ۳۵/۷ درصد "بین ۳۵ تا ۴۴ سال" و ۷ نفر معادل ۵/۰ درصد "بیشتر از ۴۵ سال" بوده است. سابقه فعالیت ۳۳ نفر معادل ۲۳/۶ درصد "کمتر از ۵ سال"، ۴۸ نفر معادل ۳۴/۳ درصد "بین ۵ تا ۱۰ سال"، ۳۴ نفر معادل ۲۴/۳ درصد "بین ۱۰ تا ۱۵ سال" و ۲۱ نفر معادل ۱۵/۰ درصد "بیشتر از ۱۵ سال" بوده است. از این تعداد ۳۵ نفر در گروه "اساتید"، ۳۵ نفر در گروه "بازرگانان"، ۳۵ نفر در گروه "مدیران سازمان های خصوصی" و ۳۵ نفر در گروه "کارمندان مالیاتی" قرار گرفتند. نوعیت درآمد ۷۷ نفر معادل ۵۵/۰ درصد "ثابت"، ۳۳ نفر معادل ۲۳/۶ درصد "متغیر"، ۲۴ نفر معادل ۱۷/۱ درصد "ثابت و متغیر" و ۳ نفر معادل ۲/۱ درصد "نداشتن درآمد" است. میزان پرداخت مالیات سالانه ۶۴ نفر معادل ۴۵/۷ درصد "کمتر از ۱۰۰۰۰"، ۵۳ نفر معادل ۳۷/۹ درصد "بین ۱۰۰۰۰ تا ۱۰۰۰۰۰"، ۱۱ نفر معادل ۷/۹ درصد "بین ۱۰۰۰۰۰ تا ۵۰۰۰۰۰" و ۸ نفر معادل ۵/۷ درصد "بیشتر از ۵۰۰۰۰۰" است.

محاسبه وزن و تعیین ارجحیت شاخص های اصلی تحقیق

با توجه به امتیازدهی به مقایسه بین ۳ شاخص اصلی "عوامل سیاسی - امنیتی - اداری (A)"، "عوامل حقوقی - اجتماعی - فرهنگی (B)" و "عوامل اقتصادی - تکنیکی (C)"، مربوط به "اولویت بندی عوامل مؤثر بر فرار مالیاتی"، که عددی از ۱ تا ۹ اختیار می کند، با توجه به خروجی نرم افزار اکسپرت چویس، ماتریس مقایسات زوجی معیارهای اصلی به شرح زیر به دست آمده است (نرخ ناسازگاری ۰/۰۲):

	A	B	C
A		1.754	3.083
B			3.482
C	Incon: 0.02		

اعداد جدول فوق نشان دهنده اولویت شاخص سطر نسبت به شاخص ستون مربوطه است. اعداد به رنگ سرخ وضعیت معکوس، یعنی اولویت ستون نسبت به سطر را نشان می دهند. نمودار زیر رتبه بندی و ارزش وزنی تعیین شده شاخص ها را نشان می دهد:



بنابراین، شاخص های اصلی به لحاظ ارجحیت (اهمیت) به قرار زیر می باشند:

ردیف	نام شاخص	ارزش وزنی	رتبه
۱	عوامل اقتصادی - تکنیکی (C)	۰/۶۱۶	۱
۲	عوامل سیاسی - امنیتی - اداری (A)	۰/۲۳۱	۲
۳	عوامل حقوقی - اجتماعی - فرهنگی (B)	۰/۱۵۳	۳

محاسبه وزن و تعیین ارجحیت "عوامل سیاسی - امنیتی - اداری":

با توجه به امتیازدهی به مقایسه بین ۷ زیر شاخص وضعیت بد امنیتی (A۱)، موجودیت

بروکراسی و کاغذپرانی‌های بیهوده (A۲)، موجودیت فساد اداری و فساد مأموران مالیاتی (A۳)، سیستم نامتوازن و نامناسب سنجش و جمع‌آوری مالیات در سراسر کشور (A۴)، موجودیت نظام ضعیف، ناکارآمد برای شناسایی مودیان مالیاتی (A۵)، پائین بودن ظرفیت و کمبود افراد متخصص در امور مالیات در نهادهای مالیاتی (A۶) و عدم مصرف درست مالیه جمع‌آوری شده و تخصیص درست بودجه (A۷)، مربوط به شاخص اصلی "عوامل سیاسی - امنیتی - اداری"، که عددی از ۱ تا ۹ اختیار می‌کند، با توجه به خروجی نرم افزار اکسپرت چویس، ماتریس مقایسات زوجی معیارهای اصلی به شرح زیر به دست آمده است (نرخ ناسازگاری ۰/۰۴):

	A1	A2	A3	A4	A5	A6	A7
A1		1.53	2.151	2.159	2.429	1.746	3.417
A2			3.251	1.888	2.128	2.869	4.159
A3				1.644	1.741	1.481	2.82
A4					1.954	2.158	2.488
A5						1.519	3.339
A6							3.595
A7		Incon: 0.04					

اعداد جدول فوق نشان دهنده اولویت شاخص سطر نسبت به شاخص ستون مربوطه است. اعداد به رنگ سرخ وضعیت معکوس، یعنی اولویت ستون نسبت به سطر را نشان می‌دهند. نمودار زیر رتبه‌بندی و ارزش وزنی تعیین شده شاخص‌ها را نشان می‌دهد:



بنابراین، ۷ زیر شاخص مربوط به شاخص اصلی "عوامل سیاسی - امنیتی - اداری" به لحاظ ارجحیت (اهمیت) به قرار زیر می‌باشند:

رتبه	ارزش وزنی	نام شاخص	ردیف
۱	۰/۳۳۹	عدم مصرف درست مالیه جمع‌آوری شده و تخصیص درست بودجه (A۷)	۱

۲	پائین بودن ظرفیت و کمبود افراد متخصص در امور مالیات در نهادهای مالیاتی (A۶)	۰/۱۶۱	۲
۳	موجودیت نظام ضعیف، ناکارآمد برای شناسایی مودیان مالیاتی (A۵)	۰/۱۴۵	۳
۴	سیستم نامتوازن و نامناسب سنجش و جمع‌آوری مالیات در سراسر کشور (A۴)	۰/۱۱۵	۴
۵	موجودیت فساد اداری و فساد ماموران مالیاتی (A۳)	۰/۱۱۴	۵
۶	وضعیت بد امنیتی (A۱)	۰/۰۶۳	۶
۷	موجودیت بروکراسی و کاغذ پرانی‌های بیهوده (A۲)	۰/۰۶۳	۷

محاسبه وزن و تعیین ارجحیت «عوامل حقوقی - اجتماعی - فرهنگی»

با توجه به امتیازدهی به مقایسه بین ۷ زیر شاخص پیچیدگی و تراکم قوانین مالیاتی و پائین بودن سطح آگاهی از قوانین مالیاتی (B۱)، ناباوری به مالیات در بین آحاد جامعه و ضعف فرهنگ مالیاتی (B۲)، ناباوری به مشروعیت دولت و حکومت (B۳)، بی‌اعتمادی به کارایی دولت و حکومت (B۴)، بی‌اعتمادی به تطبیق یکسان قوانین در کشور و معافیت‌های متنوع و متعدد مالیاتی در سال‌های گذشته (B۵)، الگوبرداری و یادگیری از سایر مودیان (B۶) و پول‌شویی و درآمدهای خلاف از مواد مخدر، ترور، اختطاف و جنگ (B۷)، مربوط به شاخص اصلی "عوامل حقوقی - اجتماعی - فرهنگی"، که عددی از ۱ تا ۹ اختیار می‌کند، با توجه به خروجی نرم‌افزار اکسپرت چویس، ماتریس مقایسات زوجی معیارهای اصلی به شرح زیر به دست آمده است (نرخ ناسازگاری ۰/۰۱):

	B1	B2	B3	B4	B5	B6	B7
B1			4.141	1.051	1.747	1.897	1.395
B2				1.799	1.051	1.233	2.809
B3					2.003	1.647	2.098
B4						1.361	1.746
B5							2.273
B6							3.757
B7							

Incon: 0.01

اعداد جدول فوق نشان‌دهنده اولویت شاخص سطر نسبت به شاخص ستون مربوطه

است. اعداد به رنگ سرخ وضعیت معکوس، یعنی اولویت ستون نسبت به سطر را نشان می دهند. نمودار زیر رتبه بندی و ارزش وزنی تعیین شده شاخص ها را نشان می دهد:

Priorities with respect to:
Goal: GOAL
>B



بنابراین، ۷ زیر شاخص مربوط به شاخص اصلی "عوامل حقوقی - اجتماعی - فرهنگی" به لحاظ ارجحیت (اهمیت) به قرار زیر می باشند:

ردیف	نام شاخص	ارزش وزنی	رتبه
۱	پول شویی و درآمدهای خلاف از مواد مخدر، ترور، اختطاف و جنگ (B۷)	۰/۲۷۵	۱
۲	ناباوری به مالیات در بین آحاد جامعه و ضعف فرهنگ مالیاتی (B۲)	۰/۱۹۵	۲
۳	بی اعتمادی به تطبیق یکسان قوانین در کشور و معافیت های متنوع و متعدد مالیاتی در سال های گذشته (B۵)	۰/۱۵۳	۳
۴	بی اعتمادی به کارایی دولت و حکومت (B۴)	۰/۱۴۰	۴
۵	ناباوری به مشروعیت دولت و حکومت (B۳)	۰/۰۹۷	۵
۶	پیشچیدگی و تراکم قوانین مالیاتی و پائین بودن سطح آگاهی از قوانین مالیاتی (B۱)	۰/۰۷۷	۶
۷	الگو برداری و یادگیری از سایر مودیان (B۶)	۰/۰۶۴	۷

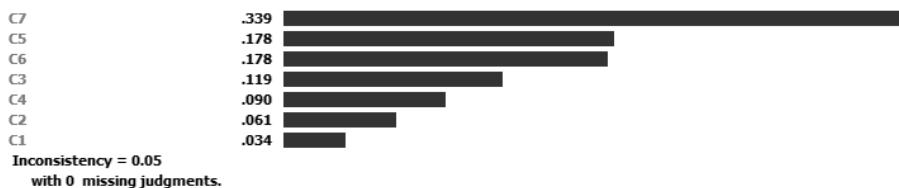
محاسبه وزن و تعیین ارجحیت «عوامل اقتصادی - تکنیکی»

با توجه به امتیازدهی به مقایسه بین ۷ زیرشاخص تعدد انواع مالیات (C۱)، کمبود نقدینگی شرکت ها و افراد (C۲)، عدم موجودیت سیستم ثبت دقیق اطلاعات مالی اشخاص حقیقی و حکمی (C۳)، متناسب نبودن جریمه های مالیاتی و ناکارآمد بودن سیستم تنبیه و تشویق مالیات (C۴)، موجودیت شغل های کاذب و فعالیت های زیرزمینی (C۵)، عدم سیستم الکترونیکی و ضعف در استفاده از وسایل و سیستم های تکنالوژی (C۶) و بی ثباتی اقتصادی، افزایش بیکاری و تورم و تغییر درآمدهای مودیان (C۷)، مربوط به شاخص اصلی "عوامل اقتصادی - تکنیکی"، که عددی از ۱ تا ۹ اختیار می کند، با توجه به خروجی نرم افزار اکسپرت چویس، ماتریس مقایسات زوجی معیارهای اصلی به شرح زیر به دست آمده است (نرخ ناسازگاری ۰/۰۵):

	C1	C2	C3	C4	C5	C6	C7
C1		2.907	4.723	4.22	4.302	4.388	4.925
C2			2.598	1.434	3.094	2.957	5.15
C3				1.182	1.702	1.443	2.574
C4					3.735	2.788	3.844
C5						1.581	2.264
C6							3.498
C7	Incon: 0.05						

اعداد جدول فوق نشان دهنده اولویت شاخص سطر نسبت به شاخص ستون مربوطه است. اعداد به رنگ قرمز وضعیت معکوس، یعنی اولویت ستون نسبت به سطر را نشان می دهند. نمودار زیر رتبه بندی و ارزش وزنی تعیین شده شاخص ها را نشان می دهد:

Priorities with respect to:
Goal: GOAL
>C

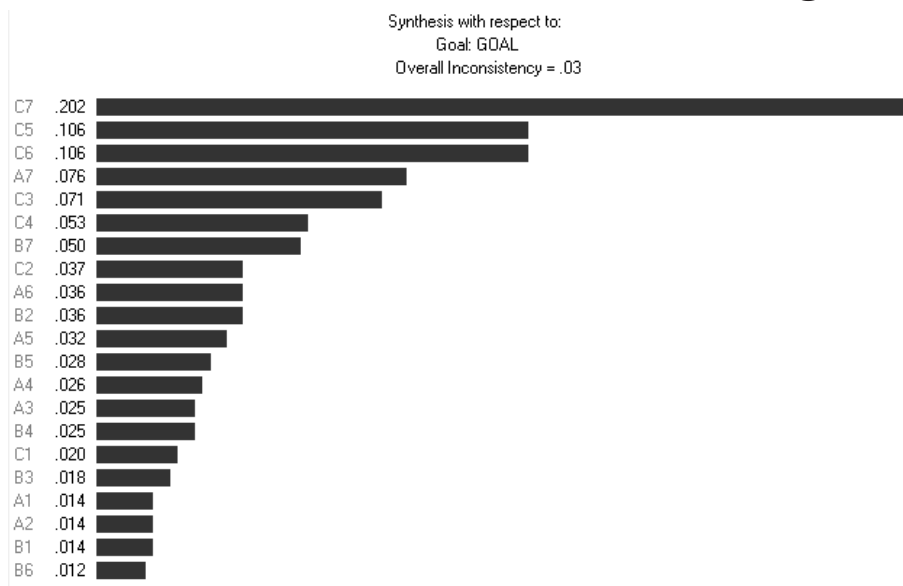


بنابراین، ۷ زیر شاخص مربوط به شاخص اصلی "عوامل اقتصادی - تکنیکی" به لحاظ ارجحیت (اهمیت) به قرار زیر می باشند:



رتبه	ارزش وزنی	نام شاخص	ردیف
۱	۰/۳۳۹	بی ثباتی اقتصادی، افزایش بیکاری و تورم و تغییر درآمدهای مودیان (C۷)	۱
۲	۰/۱۷۸	موجودیت شغل های کاذب و فعالیت های زیرزمینی (C۵)	۲
۳	۰/۱۷۸	عدم سیستم الکترونیکی و ضعف در استفاده از وسایل و سیستم های تکنولوژی (C۶)	۳
۴	۰/۱۱۹	عدم موجودیت سیستم ثبت دقیق اطلاعات مالی اشخاص حقیقی و حکمی (C۳)	۴
۵	۰/۰۹۰	متناسب نبودن جریمه های مالیاتی و ناکارآمد بودن سیستم تنبیه و تشویق مالیات (C۴)	۵
۶	۰/۰۶۱	کمبود نقدینگی شرکت ها و افراد (C۲)	۶
۷	۰/۰۳۴	تعدد انواع مالیات (C۱)	۷

در نهایت اولویت بندی عوامل مؤثر بر فرار مالیاتی، از نظر خبرگان در تصویر زیر مشاهده می شود (نرخ ناسازگاری: ۰/۰۳):



جدول زیر نتیجه اجرای مرحله نهایی روش AHP است که در آن اولویت بندی نهایی عوامل مؤثر بر فرار مالیاتی با در نظر گرفتن اوزان شاخص ها و تعیین اوزان نهایی مشخص می شود.

ردیف	عنوان شاخص	ضریب شاخص	موضوع شاخص
۱	بی ثباتی اقتصادی، افزایش بیکاری و تورم و تغییر درآمدهای مودیان (CV)	۰/۲۰۲	عوامل اقتصادی - تکنیکی
۲	موجودیت شغل های کاذب و فعالیت های زیرزمینی (C۵)	۰/۱۰۶	عوامل اقتصادی - تکنیکی
۳	عدم سیستم الکترونیکی و ضعف در استفاده از وسایل و سیستم های تکنولوژی (C۶)	۰/۱۰۶	عوامل اقتصادی - تکنیکی
۴	عدم مصرف درست مالیه جمع آوری شده و تخصیص درست بودجه (AV)	۰/۰۷۶	عوامل سیاسی - امنیتی - اداری
۵	عدم موجودیت سیستم ثبت دقیق اطلاعات مالی اشخاص حقیقی و حکمی (C۳)	۰/۰۷۱	عوامل اقتصادی - تکنیکی
۶	متناسب نبودن جریمه های مالیاتی و ناکارآمد بودن سیستم تنبیه و تشویق مالیات (C۴)	۰/۰۵۳	عوامل اقتصادی - تکنیکی
۷	پول شویی و درآمدهای خلاف از مواد مخدر، ترور، اختطاف و جنگ (BV)	۰/۰۵۰	عوامل حقوقی - اجتماعی - فرهنگی
۸	کمبود نقدینگی شرکت ها و افراد (C۲)	۰/۰۳۷	عوامل اقتصادی - تکنیکی
۹	پائین بودن ظرفیت و کمبود افراد متخصص در امور مالیات در نهادهای مالیاتی (A۶)	۰/۰۳۶	عوامل سیاسی - امنیتی - اداری

۱۰	ناباوری به مالیات در بین آحاد جامعه و ضعف فرهنگ مالیاتی (B۲)	۰/۰۳۶	عوامل حقوقی - اجتماعی - فرهنگی
۱۱	موجودیت نظام ضعیف، ناکارآمد برای شناسایی مودیان مالیاتی (A۵)	۰/۰۳۲	عوامل سیاسی - امنیتی - اداری
۱۲	بی اعتمادی به تطبیق یکسان قوانین در کشور و معافیت‌های متنوع و متعدد مالیاتی در سال‌های گذشته (B۵)	۰/۰۲۸	عوامل حقوقی - اجتماعی - فرهنگی
۱۳	سیستم نامتوازن و نامناسب سنجش و جمع‌آوری مالیات در سراسر کشور (A۴)	۰/۰۲۶	عوامل سیاسی - امنیتی - اداری
۱۴	موجودیت فساد اداری و فساد ماموران مالیاتی (A۳)	۰/۰۲۵	عوامل سیاسی - امنیتی - اداری
۱۵	بی اعتمادی به کارایی دولت و حکومت (B۴)	۰/۰۲۵	عوامل حقوقی - اجتماعی - فرهنگی
۱۶	تعدد انواع مالیات (C۱)	۰/۰۲۰	عوامل اقتصادی - تکنیکی
۱۷	ناباوری به مشروعیت دولت و حکومت (B۳)	۰/۰۱۸	عوامل حقوقی - اجتماعی - فرهنگی
۱۸	وضعیت بد امنیتی (A۱)	۰/۰۱۴	عوامل سیاسی - امنیتی - اداری
۱۹	موجودیت بروکراسی و کاغذ پرانی‌های بیهوده (A۲)	۰/۰۱۴	عوامل سیاسی - امنیتی - اداری
۲۰	پیچیدگی و تراکم قوانین مالیاتی و پائین بودن سطح آگاهی از قوانین مالیاتی (B۱)	۰/۰۱۴	عوامل حقوقی - اجتماعی - فرهنگی
۲۱	الگوبرداری و یادگیری از سایر مودیان (B۶)	۰/۰۱۲	عوامل حقوقی - اجتماعی - فرهنگی

نتیجه‌گیری

فرار مالیاتی پدیده جهانی است که در همه‌ی کشورها وجود داشته ولی متناسب با شرایط و وضعیت کشورها عوامل آن متفاوت می‌باشد و امکان دارد بعضی از عوامل به صورت مشترک نیز وجود داشته باشند. در این تحقیق تلاش گردیده تا عوامل فرار مالیاتی در افغانستان مورد شناسایی قرار گرفته و بعد از مقایسه، درجه‌بندی گردد.

رهیافت‌های قبلی در تحقیقات گذشته نشان داده است که کوچر و گوته (۱۹۹۸) در مطالعه موردی در شهر زوریخ آلمان به این نتیجه رسیدند که اعتماد مردم به نمایندگان و دولت، بر رفتار مالیاتی آن‌ها تأثیر خواهد داشت، مهدلو در تحقیقی سال ۱۳۸۱ انجام داده است نتیجه گرفت که رسیدگی علی‌الراس درآمدهای مالیاتی دولت را کاهش می‌دهد؛ ولی اگر مبنای رسیدگی علی‌الراس تغییر یافته و اصلاح شود، درآمدهای مالیاتی دولت افزایش خواهد یافت، کبولا و سعادتمند در یک مطالعه تجربی، به بررسی رابطه بین نرخ مالیات بر درآمد و فرار مالیاتی در آمریکا پرداختند. این محققان به این نتیجه رسیدند که نرخ بالای مالیات بر درآمد منجر به افزایش بیشتر فرار مالیاتی می‌شود، در مطالعه دیگری، به منظور بررسی رابطه بین تکانه‌های مالیاتی و فرار مالیاتی، بوساتو و همکاران نشان دادند که افزایش نرخ مالیات بر شرکت‌ها، کارگزاران اقتصادی را به سمت فرار مالیاتی سوق می‌دهد، اسپیسر و بیکر (۱۹۸۰) در مقال‌های با عنوان «نابرابری مالی و فرار مالیاتی: راه‌یافتی تجربی» افرادی که احساس می‌کنند که در سیستم مالیاتی نسبت به آن‌ها بی‌عدالتی صورت گرفته را مورد بررسی قرار دادند و دریافتند که این افراد بیش‌تر تمایل دارند از مالیات فرار کنند تا اینکه مالیات بپردازند و سپس به دنبال بازپس‌گیری حق خود باشند. دان (۱۹۹۲) با استفاده از شیوه‌های اقتصادسنجی و با بررسی موردی در مکزیک نتیجه گرفت «حتی تلاش‌های بسیار در کشف جرم و چگونگی مجازات آن باعث تغییرات اندک در مالیات می‌گردد». دان معتقد بود افزایش ۲۰۰ درصدی در جریمه فرار از مالیات، تنها منجر به افزایش ۱۰ درصدی درآمد اعلام شده خواهد شد. افزایش موارد حساب‌رسی نیز کمک شایانی به جلوگیری از فرار مالیاتی نخواهد کرد، فورتین، لاک رویکس و ویل وال (۲۰۰۷) در تحقیقی با عنوان «فرار مالیاتی و واکنش‌های اجتماعی»، نظام مالیاتی نا عادلانه را عامل افزایش فرار مالیاتی دانسته و برپایی عدالت افقی در نظام مالیاتی را خواستار شدند. آن‌ها همچنین تجارب آزمایشی را در حل این مسائل مفید دانستند، پیل (۱۹۸۹) طی تحقیقی به این نتیجه رسید که

افراد بدون توجه به اصول اخلاقی، گریزان از خطرپذیری بوده و در راه به حداکثر رساندن سودشان عمل می‌کنند. به عبارت دیگر آن‌ها از کارکردن در اقتصاد پنهان یا اغفال ممیز مالیاتی احساس شرمساری نمی‌کنند.

نتایج این تحقیق بعد از ارزیابی نشان می‌دهد که عوامل اقتصادی - تکنیکی (C) با ارزش وزنی ۰٫۶۱۶ در درجه اول، عوامل سیاسی - امنیتی - اداری (A) با ارزش وزنی ۰٫۲۳۱ در درجه دوم و عوامل حقوقی - اجتماعی - فرهنگی (B) با ارزش وزنی ۰٫۱۵۳ در درجه سوم قرار گرفته اند. این آمار نشان می‌دهد که بین سه عامل اصلی، عوامل اقتصاد - تکنیکی بیشترین تأثیر، عوامل حقوقی - اجتماعی - فرهنگی کمترین تأثیر و عوامل سیاسی - امنیتی و اداری نیز تا اندازه‌ای تأثیرگذار بوده است.

در قسمت درجه بندی عوامل فرعی با در نظر داشت ارزش وزنی هر کدام، نتایج این تحقیق بیان می‌کند که بی ثباتی اقتصادی، افزایش بیکاری، تورم و تغییر درآمد مؤدیان (CV) ۰٫۲۰۲ بیشترین تأثیرگذاری بر فرار مالیاتی را داشته و به ترتیب سایر عوامل نیز تأثیرگذار بوده اند. موجودیت شغل های زیرزمینی (C۵) ۰٫۱۰۶، عدم سیستم الکترونیک و ضعف در استفاده از وسایل و سیستم های تکنالوژی (C۶) ۰٫۱۰۶، عدم مصرف درست مالیه جمع آوری شده و تخصیص درست بودجه (AV) ۰٫۰۷۶، عدم موجودیت سیستم ثبت دقیق اطلاعات مالی اشخاص حقیقی و حکمی (C۳) ۰٫۰۷۱، متناسب نبودن جریمه های مالیاتی و ناکارآمد بودن سیستم تنبیه و تشویق مالیات (C۴) ۰٫۰۵۳، پول شویی و درآمدهای خلاف از مواد مخدر، ترور، اختطاف و جنگ (BV) ۰٫۰۵۰، کمبود نقدینگی شرکت ها و افراد (C۲) ۰٫۰۳۷، پائین بودن ظرفیت و کمبود افراد متخصص در امور مالیات در نهادهای مالیاتی (A۶) ۰٫۰۳۶، ناباوری به مالیات در بین آحاد جامعه و ضعف فرهنگ مالیاتی (B۲) ۰٫۰۳۶، موجودیت نظام ضعیف، ناکارآمد برای شناسایی مودیان مالیاتی (A۵) ۰٫۰۳۲، بی اعتمادی به تطبیق یکسان قوانین در کشور و معافیت های متنوع و متعدد مالیاتی در سال های گذشته (B۵) ۰٫۰۲۸، سیستم نامتوازن و نامناسب سنجش و جمع آوری مالیات در سراسر کشور (A۴) ۰٫۰۲۶، موجودیت فساد اداری و فساد مأموران مالیاتی (A۳) ۰٫۰۲۵، بی اعتمادی به کارایی دولت و حکومت (B۴) ۰٫۰۲۵، تعدد انواع مالیات (C۱) ۰٫۰۲۰، ناباوری به مشروعیت دولت و حکومت (B۳) ۰٫۰۱۸، وضعیت بد امنیتی (A۱) ۰٫۰۱۴، موجودیت بروکراسی و کاغذ پرانی های بیهوده (A۲) ۰٫۰۱۴، پیچیدگی و تراکم قوانین مالیاتی و پائین بودن سطح آگاهی

از قوانین مالیاتی (B۱) ۰۰۱۴، الگوبرداری و یادگیری از سایر مودیان (B۶) ۰۰۱۲ از جمله عوامل حقوقی - اجتماعی - فرهنگی کمترین ارزش را بدست آورده و کمترین تأثیر را بر فرار مالیاتی داشته است.

پیشنهادهای

پالیسی‌سازان و برنامه‌ریزان مالیاتی در کشور باید جهت کاهش فرار مالیاتی به عوامل فوق توجه نموده و تلاش نمایند تا شرایط و وضعیت را بهبود بخشیده و برای رفع موارد فوق اقدام کنند. به عنوان محقق بر اساس آمار بدست آمده پیشنهادهای ذیل را ارائه می‌نمایم.

۱. تلاش جهت بهبود امنیت و شرایط اقتصادی، به وجود آمدن ثبات اقتصادی در کشور، رفع تورم و بیکاری؛

۲. از بین بردن شغل‌های کاذب و قاچاق و فعالیت‌های زیرزمینی و غیرقانونی؛

۳. توسعه سیستم الکترونیکی مالیات در سرتاسر کشور؛

۴. مصرف درست مالیه جمع‌آوری شده، تخصیص درست بودجه در ساحات خدمات عمومی، عدم تخصیص بودجه در موارد غیر ضروری چون: خریداری امکانات تجملاتی، اسراف در مصارف، هزینه‌های لوکس و سفرهای تفریحی، غذاهای متنوع و جنگ‌های داخلی؛

۵. ایجاد و راه‌اندازی سیستم شناسایی و ثبت دقیق اطلاعات مالی مودیان حقیقی و حکمی؛

۶. تجدیدنظر در سیستم جرائم و مشوق‌ها و معافیت‌های مالیاتی؛

۷. تقویه سیستم بانکداری و جلوگیری از فعالیت‌های پول‌شویی و درآمدهای خلاف مثل اختطاف، قاچاق مواد مخدر و هزینه‌های استخباراتی در ارتباط به جنگ؛

۸. جذب و استخدام بیشتر افراد متخصص امور مالیاتی و تفویض صلاحیت‌های مرتبط؛

۹. ارتقاء و توسعه فرهنگ مالیاتی از طریق نشر تبلیغات، آموزش‌های همگانی و اضافه نمودن موضوعات و مفردات در نظام آموزشی تعلیمی و تحصیلی؛

۱۰. تطبیق نظام مند و یکسان مالیات در سراسر کشور و عدم تبعیض در اجراء و تطبیق در ولایات و نهادهای جمع‌آوری کننده مالیات؛

۱۱. مبارزه جهت کاهش فساد اداری و مالی در مراکز مالیاتی و محو بروکراسی و کاغذ

پرانی‌های بیهوده با تکمیل الکترونیک سازی روند و فرایند امور مالیات؛
۱۲. افزایش سطح مشروعیت، اطمینان و اعتماد ملت به دولت و حکومت و کارایی و
اثرگذاری فعالیت‌های آن؛
۱۳. کاهش تعدد انواع مالیات، پیچیده‌گی و تراکم قوانین مالیات و افزایش آگاهی دهی.

منابع و مآخذ

۱. ایزد بخش، حمید رضا و همکاران. (۱۳۸۸)، آموزش کاربردی نرم افزارهای مهندسی صنایع و مدیریت، جلد اول، تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی واحد صنعتی امیر کبیر. چاپ دوم.
۲. دانایی فرد، حسن، مهدی الوانی و عادل آذر. (۱۳۹۰). روش شناسی پژوهش کمی در مدیریت: رویکرد جامع، تهران: نشر صفار-اشراقی.
۳. زیر دست، اسفندیار. (۱۳۸۰). کاربرد فرایند تحلیل سلسله مراتبی در برنامه ریزی شهری و منطقه‌ای، هنرهای زیبا، شماره ۱۰.
۴. مؤمنی، منصور. (۱۳۸۷). مباحث نوین تحقیق در عملیات، انتشارات پوهنجی مدیریت پوهنتون تهران، چاپ دوم.
۵. ابراهیمی، جهان بخش. (۱۳۸۴). حقوق مالیه عمومی، نشر میزان.
۶. امامی، دکتر محمد. (۱۳۸۹). حقوق مالیه عمومی، نشر میزان.
۷. تاجدار، دکتر علی. (۱۳۸۷). اقتصاد و مالیه عمومی، نشر میزان.
۸. توکلی، دکتر احمد. (۱۳۸۶). مالیه عمومی، انتشارات سمت.
۹. تینگار، دکتر سید محمد. (۱۳۹۱). اساسات امور مالی عامه، کابل: انتشارات یوسف زاد.
۱۰. رحمانی، پوهندوی عبداللطیف. (۱۳۹۴). حقوق مالی و بودجه، کابل: انتشارات سعید.
۱۱. رستمی، دکتر ولی. (۱۳۹۰). مالیه عمومی، نشر میزان.
۱۲. رضایی دوانی، مجید، ۱۳۸۹، مقدمه‌ای بر مالیه عمومی در اسلام، انتشارات سمت.
۱۳. عباسیان - محمودی، دکتر عزت الله - دکتر وحید. (۱۳۹۰). مالیه عمومی و خط و مشی مالی دولت‌ها، انتشارات نگاه دانش.
۱۴. موسی زاده، دکتر رضا. (۱۳۸۹). مالیه عمومی، نشر میزان.

۱۵. نظری، پوهنیار احسان الله. (۱۳۹۰). سیستم مالیاتی جدید افغانستان، کابل: انتشارات یوسف زاد.
۱۶. وکیلی فرد - معتمدی، دکتر محمدرضا - بهنام. (۱۳۸۵). حسابداری مالیاتی، انتشارات جنگل - انتشارات علمی.
۱۷. جعفری صمیمی، احمد، و حمزه‌ای، علی اکبر. (۱۳۸۴). بررسی عوامل مؤثر بر فرار مالیاتی: مطالعه موردی صنف طلا فروشان استان مازندران. پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی، جلد اول، شماره ۳۴، صفحات ۲۰ - ۳.
۱۸. مجتهد، احمد، و احمدیان، اعظم. (۱۳۸۷). (اثر درآمدهای مالیاتی دولت بر رفاه اجتماعی ایران). ویژه‌نامه اقتصادی، سال هفتم، شماره اول، صفحات ۷۱ - ۱۰.
۱۹. نقی زهی و محمد خانلی، شهرزاد. (۱۳۸۹). (بررسی عوامل مؤثر بر فرار مالیاتی): مطالعه موردی استان آذربایجان شرقی. پژوهش‌نامه مالیات، دوره جدید، شماره نهم، مسلسل ۵۷، پاییز و زمستان.
۲۰. هادیان، ابراهیم و تحویلی، علی. (۱۳۹۲). (شناسایی عوامل مؤثر بر فرار مالیاتی در اقتصاد ایران). فصلنامه علمی - تحقیقی برنامه‌ریزی و بودجه، سال هجدهم، شماره ۲، تابستان ۱۳۹۲ ص ۳۹-۵۸.